ادامه از صفحه اول

فربگی فرودستان

دهه نخست انقلاب، طبقاتِ اجتماعی ناهمگون همزیستی مسالمت‌آمیزی داشتند و در اینکه انقلاب به‌نام مستضعفان ثبت شود، هیچ اعتراضی نشد. تمام اقشار در توافقی نانوشته طبقات فرودست را بر صدر نشاندند تا این باور را محقق سازند که انقلاب براساس منافع طبقه و طیفی خاص نبوده است و منفعت دیگری بر منفعت خود ترجیح دارد. اما در زیر پوست این تغییرات، جامعه دیگری در حال شکل‌گیری بود؛ جامعه‌ای با طبقه متوسط فربه. فرودست‌ها در گذر ایام متوسط شده بودند و بورژواهای قبل از انقلاب یا ترک وطن کرده بودند یا به طبقه متوسط سقوط کرده بودند. این سقوط و صعودها، چنان طبقه متوسط را فربه ساخت که اگر جنگ هشت‌ساله ایران و عراق درنمی‌گرفت، تضادها و تنش‌های این طبقه دولت‌های وقت را به دردسر می‌انداخت.

ادامه در صفحه ۴

تهران رنگی، دعوت‌کننده است

این تهران، تهرانِ ماندن است، تهرانِ آمدن... .

شب‌های تهران هم در روزهای منتهی به نوروز و ایام عید دیدنی است. شهر غرق در نور می‌شود و تونل‌های نورِ آن بر جذابیت آن می‌افزاید. همه اینها را بگذارید کنار سایر طرح‌هایی که در طول نوروز ۹۸ در تهران یا به مرحله اجرا درمی‌آیند یا اکران می‌شوند و آن وقت ببینید تهران چقدر می‌تواند دعوت‌کننده و متفاوت باشد. این معجزه حضور رنگ است. روزهایی که در نبود ترافیک و هیاهوهای معمول و در ساعت‌هایی که باد بهاری اجازه جولان هیچ آلودگی‌ای را نمی‌دهد، تهران بیش از همیشه جایی است برای ماندن، برای نفس‌کشیدن و برای لذت‌بردن از شهری که برای تک‌تک ساعت‌های شهروندان و مسافرانش برنامه‌ریزی کرده است. نوروز ۹۸ فرصتی است که تهران ثابت کند به همان اندازه که مسافر به شهرهای دیگر می‌فرستد، به همان اندازه هم مسافرپذیر است و یک مقصد جذاب برای گردشگری. این نه یک مدعا؛ بلکه واقعیتی است که در روزهای آینده خود را به همه نمایان می‌کند... .

نگاهی به فعالیت سیاسی مرجان شیخ‌الاسلامی در انتخابات مجلس ششم

بندباز سیاسی

این روزها که پرونده پتروشیمی گیت سر زبان‌ها افتاده، یکی از نام‌هایی که بارها درباره او گفته و شنیده شده، مرجان شیخ‌الاسلامی است؛ اما اینکه چه چیزی باعث شد تا نگاه‌ها به سمت شیخ‌الاسلامی خیره شود، انتشار تصویری از پوستر انتخاباتی او در انتخابات مجلس ششم است که آرم و لوگوی مشارکت در آن به چشم می‌خورد و پیونددادن او به اصلاح‌طلبان. این البته تمام ماجرا نبود، چراکه فهرستی هم از انتخابات مجلس هشتم منتشر شد که نام او در فهرست اصولگرایان مستقل دیده می‌شد و از سوی دیگر ازدواجش با مهدی خلجی، اپوزیسیون خارج از کشور، باعث شد گمانه‌ها درباره خط و ربط سیاسی او در هاله‌ای از ابهام قرار بگیرد، هرچند به نظر می‌رسد بیش از آنکه اصلاح‌طلب‌بودن یا اصولگرابودن مرجان شیخ‌الاسلامی مهم باشد، فسادی است که در جریان دورزدن تحریم‌ها صورت گرفته و اینکه پای او چگونه به این ماجرا باز شده، اهمیت دارد. این بخش از ماجرا یعنی ورود او به ثبت شرکت‌ها برای مبادلات پتروشیمی با هدف دورزدن تحریم‌ها، حلقه مفقوده این داستان است که تابه‌حال کسی اطلاعی مستند از آن منتشر نکرده است؛ اما آنچه واضح است، ورود او به این ماجرا با راه‌اندازی سایت اکو پترونیوز و ارتباط با شرکت‌های پتروشیمی آغاز شده است. جالب آنکه سطح این ارتباطات به نحوی گسترش می‌یابد که شیخ‌الاسلامی با ثبت دو شرکت در ایران و ترکیه با حمزه‌لو، یکی از متهمان اصلی پرونده فساد پتروشیمی، در جریان دورزدن تحریم‌ها یکی از حلقه‌های اصلی می‌شود.

اکنون سؤال این است که این ارتباطات چگونه و از چه زمانی آغاز شده است، موضوعی که از سوی «شرق» در حال پیگیری است و با تکمیل‌شدن این پازل گزارش آن منتشر خواهد شد.

فارغ از این بخش ماجرا که به نظر می‌رسد مهم‌ترین بخش آن باشد، اما در این گزارش سعی خواهد شد درباره انتصاب این فرد به جریان اصلاحات البته بخشی که مربوط به حضور او در انتخابات مجلس ششم می‌شود، پاسخ داده شود.

هم‌زمان با مطرح‌شدن نام شیخ‌الاسلامی، پوستری از کاندیداتوری او در انتخابات مجلس ششم با آرم و لوگوی جبهه مشارکت از حوزه انتخابیه کرمانشاه منتشر و سبب شد برخی برای زدنش، او را متصل به جریان اصلاح‌طلب معرفی کنند. این در حالی بود که مرجان شیخ‌الاسلامی در جریان انتخابات مجلس هشتم نامش در فهرست انتخاباتی اصولگرایان مستقل به چشم می‌خورد. فهرستی که متعلق به چهره‌های سرشناس پارلمانتاریست مجلس هفتم بود. اصولگرایان منتقد مجلس هفتم تابه‌حال هیچ توضیحی درباره چگونگی قرارگرفتن نام شیخ‌الاسلامی در این فهرست نداده‌اند.

در عوض، برخی از اکانت‌های توییتری متعلق به جریان‌های تندرو اصولگرا سعی کردند با اتصال او به اصلاح‌طلبان، به نوعی توجه افکار عمومی از ابعاد این پرونده و تخلفاتی که در جریان پوشش برخی از شرکت‌ها به وقوع پیوسته، منحرف کنند.

شیخ‌الاسلامی در فهرست جبهه مشارکت نبود

اما آیا شیخ‌الاسلامی واقعا نامش در جریان انتخابات مجلس ششم در فهرست جبهه مشارکت بوده است؟ او اصلاح‌طلب است یا

اصولگرا؟ پاسخ بهزاد نبودی و سعید شریعتی به پرسش اول قاطعانه «نه» است. درباره پرسش دوم کسی نظری نداده، اما از روابط و فعالیت‌های این فرد به نظر می‌رسد پیوستن او به جریان‌های سیاسی بیشتر در جهت تأمین منافع شخصی بوده است.

درباره پرسش اول، بهزاد نبوی که یکی از اعضای جبهه دوم خرداد برای انتخابات مجلس ششم بوده، به انصاف‌نیوز گفته است: «آقای دکتر معصومی بارها آمدند تهران و با هم دیدار داشتیم؛ اما من این مورد را یادم نیست. تا آنجا که من در جریانم و جدیدا مطلع شده‌ام، خانم اثباتی و خانم شیخ‌الاسلامی رقیب بودند و دیگر نمی‌دانم که مشارکت کدام را در لیست خود گذاشته بود.

او درمورد اظهارات آقای ارجمند مبنی بر اصرارش برای حضور اسم شیخ‌الاسلامی در لیست، گفت: «این موضوع کذب محض است، من خانم شیخ‌الاسلامی را همین چندروزه شناخته‌ام، مگر می‌شود که من اصرار کنم ایشان بیاید در لیست مشارکت! اصلا به من ربطی نداشته است. اگر مشارکت می‌خواست در لیست خودش بیاورد، به من ربطی نداشت. در واقع من تا همین چند روز اخیر که در فضای مجازی اسمش آمده، او را نمی‌شناختم».

ورود به تهران با علامه

مرجان شیخ‌الاسلامی آل‌آقا از یکی از خاندان‌های بنام در کرمانشاه است که با قبولی در رشته ارتباطات دانشگاه علامه پایش به تهران باز می‌شود. در دانشگاه ضمن ارتباط‌گیری با تشکل‌های دانشجویی و نیز برخی فعالیت‌های روزنامه‌نگاری برای نامزدی در مجلس اعلام آمادگی کرده و گفته بود که با روزنامه مشارکت هم همکاری می‌کند. اگرچه برخی از روزنامه‌نگاران باسابقه مطبوعات این موضوع یعنی همکاری او با روزنامه مشارکت را رد کرده و گفته‌اند با روزنامه همبستگی همکاری داشته است.

سعید شریعتی، دبیر ستاد انتخابات جبهه مشارکت برای انتخابات مجلس ششم هم در این باره توضیحاتی را در اختیار «شرق» قرار داد. او گفت که مرجان شیخ‌الاسلامی در کرمانشاه متقاضی نامزدی در انتخابات مجلس شده و اعلام کرده بود که با روزنامه مشارکت همکاری دارد. همچنین برخی از فعالان دانشجویی هم نظر مثبتی به او داشتند، اما رؤسای ستاد انتخابات مشارکت در کرمانشاه یعنی آقایان معصومی و زندی مصرانه با این موضوع مخالفت کرده بودند. مخالفت مشارکت کرمانشاه با شیخ‌الاسلامی در آن زمان، به این دلیل بوده که می‌گفتند هم او را نمی‌شناسند و هم اینکه به اندازه کافی وزن سیاسی نداشته و البته ارتباطی هم با تشکیلات نداشته است. کاندیدای مورد حمایت مشارکت در آن زمان؛ یدالله دادگر، مجتبی موسوی‌اجاق و عباسعلی اللّه‌یاری بودند. البته اللّه‌یاری نامزد کارگزاران بود که مشارکت هم از او حمایت کرده بود.

شریعتی در ادامه گفت که در نهایت اما قرار شد جمع‌بندی نهایی درباره نامزدهای کرمانشاه در ستاد جبهه دوم خرداد انجام شود و به همین دلیل من به همراه نمایندگان استان در جلسه‌ای خدمت آقای نبوی رسیدیم. آقای بهزاد نبوی، قاطعانه با حضور شیخ‌الاسلامی به دلیل اینکه شناختی از او وجود نداشت، مخالفت کرد و در نهایت سه‌نفری که در بالا به آنها اشاره شد، به عنوان نامزدهای مورد حمایت مشارکت در کرمانشاه در نامه‌ای به آقای جعفر همتی فرماندار وقت کرمانشاه معرفی شدند. شریعتی ادامه داد: در این فاصله مرجان شیخ‌الاسلامی خود اقدام به چاپ بنر و پوستر با آرم مشارکت کرده بود که با اعتراض جبهه مشارکت این پوسترها و بنرها جمع شد. این فعال سیاسی و عضو حزب اتحاد ملت ادامه داد: در آن انتخابات، مرحوم آقای اسماعیل ططری نفر اول و آقای موسوی‌اجاق به عنوان نفر دوم برگزیده شد و رقابت برای تعیین نفر سوم به دور دوم انتخابات کشیده شد که در نهایت آقای الهیاری با اختلاف ۴۰۰ رأی از راه‌یابی به مجلس ششم باز ماند.

شریعتی همچنین در یادداشتی که آن را در کانال تلگرامی خود منتشر کرده هم در این باره نوشته است: «دو تن از کاندیداهای جنبش دانشجویی و دفتر تحکیم وحدت خانم‌ها مژگان اثباتی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه الزهرا و خانم مرجان شیخ‌الاسلامی از دانشگاه علامه از حوزه انتخابیه کرمانشاه ثبت‌نام کرده بودند و شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت و برخی از افراد نزدیک به آنان در جبهه دوم خرداد و جبهه مشارکت اصرار بر حمایت از این دو و یا حداقل یکی از آنان را در کرمانشاه داشتند. نهایتا ستاد انتخابات مشارکت و ستاد انتخابات جبهه دوم خرداد استدلال و دلایل آقایان سعیدی و معصومی و شورای منطقه حزب را پذیرفت و در کرمانشاه از این دو خانم حمایت نکرد. خانم اثباتی به نظر حزب تمکین کرد و انصراف داد اما خانم آل‌آقا در انتخابات حاضر شد و دو هزار رأی به دست آورد. ایشان با سوءاستفاده از لوگو و شعار مشارکت باعث شد تا آرای دادگر ریزش پیدا کند».

تا اینجا روشن است در انتخابات مجلس ششم، با وجود آنکه شیخ‌الاسلامی خود را وابسته به مشارکت مطرح کرده بوده، (احتمالا به واسطه ارتباطاتش با روزنامه مشارکت که می‌تواند از جنس ارتباطات روزنامه‌نگاری باشد که البته مستندی هم درباره آن تا الان به دست نیامده)، نتوانسته در انتخابات وارد مجلس شود. بحث بعدی درباره گرایش سیاسی این فرد و ارتباطات او با مدیران سطح یک شرکت‌های پتروشیمی است که در گزارش بعدی به آن پرداخته خواهد شد.

حسن بیادی:

با وجود پدرخوانده‌ها، نمی‌توان درد مردم را دوا کرد

شرق: حسن بیادی نایب‌رئیس پیشین شورای شهر تهران درباره سازماندهی انتخاباتی اصولگرایان با «شرق» گفت‌وگو کرده است.

چرا نزدیک انتخابات، اصولگرایان و تشکل‌های اصولگرا به این مسئله رسیده‌اند که شورایی به نام شورای وحدت آن هم با ریاست غلامعلی حدادعادل تشکیل دهند؟

متأسفانه در کشور ما به دلیل بی‌توجهی تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران به حقوق مردم در زمینه‌های مختلف از جمله نحوه برگزاری انتخابات و عدم همکاری جهت شکل‌گیری احزاب فراگیر و مؤثر و همچنین مشارکت واقعی مردم، همواره نزدیک انتخابات، جناح‌ها و شخصیت‌های سیاسی به منظور پرشورکردن انتخابات و تصاحب کرسی‌های مختلف نمایندگی از جمله مجلس شورای اسلامی به تشریک مساعی با یکدیگر در قالب شوراهای وحدت می‌پردازند. اغلب آنها در راستای تفکرات حزبی، قومی و باندی خود تلاش می‌کنند مردم را برای شرکت و حضور گسترده و پرشور در انتخابات تشویق کرده و خود برای به‌دست‌آوردن صندوق‌های رأی بیشتر، به تشکیل شوراهایی در قالب چهره‌های مطرح اقدام می‌کنند.

کارایی این شوراها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

با توجه به دلایلی که گفته شد، در این مورد خاص فرقی میان تفکرات اصلاح‌طلب و اصولگرا نیست. نکته مهم این است که از این‌گونه تفکرات و اقدامات تاکنون چیزی نصیب مردم و جامعه نشده و واقعیت آن چیزی است که مشاهده می‌کنیم. درواقع این گروه‌ها و جناح‌ها هیچ پاسخ و توجیه منطقی‌ای درباره عملکرد نامزدهای منتسب به خود برای مردم ندارند بلکه بعضا از مردم طلبکار هم هستند.

می‌گویید دو جناح عملکرد یکسانی داشته‌اند؟

اگر بخواهیم منصفانه دراین‌باره قضاوت کنیم، عده‌ای معدود هم در میان این جناح‌ها هستند که به صورت صادقانه فعالیت می‌کنند. بنابراین هم به نظام و رهبری و اوامر ایشان معتقد و هم به رعایت حقوق مردم متعهد هستند اما متأسفانه همین عده معدود هم به دلیل تمامیت‌خواهی برخی از این باندهای قدرت و ثروت جایگاه شایسته‌ای ندارند و از طریق این باندها کنار زده می‌شوند و تلاش‌های آنها نیز تحت‌الشعاع نفوذ و قدرت بی‌حدواندازه این باندها قرار می‌گیرد.

آیا می‌توان با تغییر در نحوه برگزاری انتخابات از نفوذ این باندهای قدرت و ثروت کاست؟

نکته‌ای که باید در اینجا در نظر گرفت، این است که قوانین مربوط به انتخابات به‌ویژه ساختار اجرائی و مدیریتی کشور دارای نواقص جدی است. متأسفانه در بازنگری‌های متعدد و حتی همین طرح جدید مجلس درباره استانی‌شدن انتخابات هم درد برگزاری انتخابات درمان نشده است. بنابراین همچنان باید شاهد مدیریت‌های باندی و جزیره‌ای در جامعه و کشور باشیم و از مدیریت یکپارچه خبری نیست. چه باند جمنا بر سر کار باشد و چه پایداری یا حتی اصلاح‌طلبان، اوضاع تفاوت چشمگیری نمی‌کند.

ایرادات و انتقادات وارده به اجماع قبلی اصولگرایان را چه می‌دانید و آیا در این شورا قابل رفع خواهد بود؟

از خروجی تصمیمات شش سال گذشته این آقایان کاملا مشهود است که چه اتفاقاتی رخ داده است. میزان رضایتمندی مردم، وضعیت معیشتی، نرخ بی‌کاری، پایین‌آمدن ارزش پول ملی و توسعه روزافزون آسیب‌های اجتماعی واقعیت‌های آشکاری در این مورد است. بنابراین در این راستا اتفاق خطرناک جدیدی که رخ داده و بسیار مهم است، این مسئله است که بسیاری از مردم با وجود داشتن امکانات معقول، دچار احساس فقر شده‌اند. یعنی بسیاری حس می‌کنند فقیر هستند. از دلایل عمده این مشکلات، فقدان تدبیر در میان مدیران اقتصادی به‌ویژه فساد خانمان‌برانداز اداری است که نتیجه آن کاهش مشارکت عمومی مردم در انتخابات آینده خواهد شد.

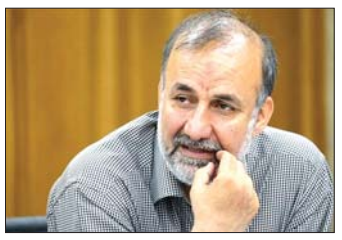

راهکار شما برای برون‌رفت از این شرایط چیست تا مردم بتوانند به صورت آگاهانه‌تری دست به انتخاب بزنند؟

از همه دست‌اندرکاران تقاضا دارم به خاطر برون‌رفت از این پیچ خطرناک سیاسی و اجتماعی تلاش کنند از تفرقه، باندبازی و تبارگرایی اجتناب کنند و کمی هم به فکر مردم باشند. به نظرم باید با ترامپ‌های داخلی برخورد انقلابی شود به‌ویژه اینکه از نظرات کارشناسان دلسوز و خبره غفلت شده است. حتی اگر این نظرات مخالف تفکرات جناحی و باندی جریان‌های صاحب قدرت باشد، نباید، همه را برانند و محدود کنند. بنابراین هشدار جدی و اساسی قاطبه مردم این است که با رنگ‌عوض‌کردن، تغییردادن نام باندها و همچنین شعارهای توخالی و فریبنده به ویژه با دخالت سیاست‌گردانان ثابت پشت پرده اصولگرا و پدرخوانده‌های دو جناح و با این مجلس بسیار ضعیف که خروجی تبارگرایی و عملکرد باندی است، دردی از مشکلات عدیده مردم دوا نخواهد شد.

خبر

خلع لباس روحانی اینستاگرامی

• **شرق:** حسن آقامیری، روحانی جنجالی اینستاگرامی، خلع لباس شد. خبر را خودش در اینستاگرامش منتشر کرده و نوشته است:« بعد از ۱۰، ۱۵ سال بردن و آوردن و بازداشت‌کردن و ریختن تو محل کار و انفرادی و... با شکایت دادستان ویژه تهران و به حکم قاضی شعبه دوم کیفری در دادگاه ویژه به ریاست دادستان کل کشور آقای منتظری بالاخره آقایون حکمشون رو صادر کردند. دو سال زندان که البته لطف کردند پنج سال تعلیقش کردند و خلع لباس دائم». او در اینستاگرام یک‌میلیون و ۸۰۰ هزار دنبال‌کننده دارد. گفته شده پس از اعلام خلع لباس و محکومیت، حدود ۲۰۰ هزار نفر به فالوئرهای آقامیری افزوده شد.

سیداحمد خمینی و معصومه ابتکار از جمله افرادی هستند که به حکم خلع لباس او واکنش نشان داده‌اند. احمد خمینی نوشت: «تن آدمی شریف است به جان آدمیت، نه همین لباس زیباست نشان آدمیت... سیدجان عزیزتر می‌شی. خودت و خدای خودت قاضی اول و آخرین. نه اینکه هر کی محکوم بوده سالم بوده، اما اکثر آدمای سالم محکوم‌اند. عزت و ذلت رو خدا می‌ده و توی این دنیا همین محبت‌های مردمه که همیشه همراهته. یاحق».

معصومه ابتکار هم توییت کرد: «امیدوارم این رأی در مرحله تجدیدنظر بشکند. آقای سیدحسن آقامیری زبان جوانان را خوب می‌داند. جلب اعتماد جوانان دهه هفتادی و هشتادی و گفت‌وگو با آنها هنر کمی نیست. خدانگهدارت باشد سید».

محمدرضا زائری، روحانی‌ای که چندی قبل خبر ممنوع‌المنبری او منتشر اما بعدا اعلام شد که رفع شده هم در واکنش گفته است: «قطعا هیچ‌کس از امثال ما بی‌عیب و نقص و معصوم نیست و خود من ممکن است بیشتر از هرکسی ایراد و اشکال داشته باشم و تاکنون چند مرتبه در گفت‌وگو با آقای سیدحسن آقامیری انتقادها و نظرات خود را به ایشان عرض کرده‌ام؛ ولی بعد از اعلام حکم دادگاه، سؤال‌هایی از دیشب توی ذهنم هست که جواب روشنی برایشان ندارم؛ اگر سیدحسن آقامیری به جای حرف‌هایی که از رحمانیت دین می‌زد بی‌سروصدا مشغول زدوبند سیاسی بود یا به کار ساخت‌وساز ویلا می‌پرداخت، کسی یقه‌اش را می‌گرفت؟ اگر به جای این حرف‌ها با رفتار و کردارش مردم را از دین و خدا و پیغمبر بیزار می‌کرد و در گفتارش وهن دین بود و به ترویج خرافات می‌پرداخت، باز هم محاکمه می‌شد؟ واقعا اگر به جرم ایجاد انحراف اعتقادی در جوانان می‌خواستند کسی را خلع لباس کنند، فعلا نوبت به این سید می‌رسید؟ مشکل دوستان ما این است که مخاطب را یک‌دست می‌بینند و تصور می‌کنند همه روحانیان هم باید یک شکل باشند و با یک ادبیات و رویکرد یکسان با مخاطب مواجه شوند، درحالی‌که مخاطبان و سلیقه‌های متنوع خوراک دینی متنوع نیز می‌خواهند».

یک مقام آگاه در دادسرای ویژه روحانیت به خبرنگار خبرگزاری حوزه گفته است که این موضوع در دادگاه ویژه روحانیت تهران بررسی شده و حکم او بدوی است و حق تجدید نظر دارد.

به او روحانی اینستاگرامی و تلگرامی هم می‌گویند. فیلم‌های سخنرانی‌هایش را در اینستاگرام منتشر می‌کند و از آنجا معروف و مشهور شده است. او به مجله «همشهری جوان» گفته از حوزه علمیه شهریه نمی‌گیرد و تحت پوشش بیمه حوزه هم نیست. او همچنین گفته است که نه به منبر وابستگی دارد و نه به درآمد حاصل از آن.

محوریت سخنرانی‌هایی آقامیری همیشه بر صفت «رحمانیت» خداوند تکیه دارد و کمتر از عذاب الهی و جهنم سخن می‌گوید. طرفداران آقامیری معتقدند که این روحانی نگاهشان را به مقوله دین و رحمانیت خداوند تغییر داده است و او را دوست دارند و سخنرانی‌هایش را دنبال می‌کنند. طرفداران آقامیری می‌گویند سخنرانی‌های او نسبت به سایر روحانیون متفاوت‌تر و دلنشین‌تر است. او در محافل رسمی و به‌ویژه جریان اصولگرا چهره محبوبی نبود. چند سال پیش که تازه آقامیری در فضای مجازی گل کرده بوده ،خبرگزاری فارس او را روحانی کم‌سوادی معرفی کرد که به‌دنبال کسب شهرت است. رسانه‌های منتقد آقامیری می‌گویند برخی سخنان او ضدیت آشکار با نص صریح قرآن دارد. این رسانه‌ها معتقدند آقامیری تفکری انحرافی و اسلام تحریف‌شده را تبلیغ می‌کند. دی‌ماه گذشته روابط عمومی دادستانی کل ویژه روحانیت عناوین اتهامی «حسن آقامیری» را اعلام کرده بود که عبارت بود از: «توهین به مقدسات از طریق تمسخر و ایجاد شبهه در احکام ضروری اسلام از قبیل قصاص و تردید در اصالت قرآن کریم و اعتقاد به تحریف آن و تفاسیر خلاف صریح آیات شریفه قرآن درباره بهشت و جهنم و نیز نسبت‌دادن حکایات واهی و اهانت‌آمیز به برخی از ائمه معصومین علیهم‌السلام، نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی از طریق نقل مطالب موهن و خرافی که موجب تزلزل در اعتقادات مردم و مخصوصا جوانان مخاطب وی نسبت به معارف و اصول مسلم اسلام می‌شود، ارتکاب اعمال و رفتار خلاف شئون روحانیت و در نتیجه هتک حیثیت روحانیت که از بیان مصادیق آن خودداری می‌شود».

نوروز مبارک

ساعت‌کاری شعب
بانک اقتصاد نوین
در ایام پایانی سال و تعطیلات نوروز ۱۳۹۸

از تاریخ ۱۸ اسفند ۱۳۹۷ تا پایان سال جاری

• تمام شعب تهران (به استثناء شعب بازار آهن، بازار استیل، صنعتگران، خیابان دماوند، چهاردانگه)
• شعب شهرهای کرج، تبریز، اصفهان، شیراز، مشهد

شنبه تا چهارشنبه ۸:۰۰ الی ۱۷:۳۰
پنج‌شنبه ۸:۰۰ الی ۱۳:۳۰

* لازم به ذکر است ساعت کار سایر شعب استان‌ها طبق روال عادی است.

روزهای ۳ و ۴ فروردین ۱۳۹۸ (شنبه و یک‌شنبه) از ساعت ۹:۰۰ الی ۱۲:۰۰

شعب کشیک تهران
• رسالت • نیاوران • فلکه اول تهرانپارس • بلوار میرداماد • حافظ
• قائم‌مقام • آیت‌اله کاشانی • سرو غربی • شهدای کرج

شعب کشیک شهرستان ها
• آبرسان تبریز • چالوس • گلسار رشت • زند شیراز • بلوار امین قم
• سرداران ارومیه • تنکابن • لاهیجان • امام بوشهر • همدان
• امام‌خمینی اردبیل • نور • نهارخوران گرگان • آزادی کرمان • ارشاد کرمانشاه
• سنندج • آمل • عدل قزوین • بندرعباس • کیانپارس اهواز
• بانه • طبرسی بابل • میدان آزادی اصفهان • صفائیه یزد • مرکز تجاری کیش
• زنجان • فرهنگ ساری • کاشان • احمدآباد مشهد

* شعبه مرکز تجاری کیش روزهای۱۲ و ۱۴ فروردین ۱۳۹۸ نیز از ساعت ۰۹:۰۰ الی ۱۲:۰۰ آماده خدمت‌رسانی خواهد بود.

روزهای کاری از تاریخ ۵ الی ۱۵ فروردین ۱۳۹۸

شنبه تا چهارشنبه ۷:۳۰ الی ۱۴:۰۰
پنج‌شنبه ۷:۳۰ الی ۱۳:۰۰

۰۲۱-۴۸۰۳۱۰۰۰
www.enbank.ir
به شعب مراجعه فرمایید
eghtesadnovinbank
eghtesadnovin_bank

بانک اقتصاد نوین
EN BANK IR IRAN'S FIRST PRIVATE BANK
باهم، برای هم